

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Quarterly Journal, Vol. 22, No. 10, Winter 2023, 49-76
Doi: 10.30465/crtls.2023.40645.2560

Cash in the Pot of Gold

A Critical Review on the Book Saadi's *Arabic Poetry Based on Applied Criticism*

Mohammad Reza Najjarian*

Nafise Raisi Mobarake**

Abstract

The research in Saadi's Arabic poetry is not at par with the Persian poems of this famous Iranian poet, either in terms of quality or quantity, this is more obvious in the correction and description of the text of these poems. The book of review of "*Saadi's Arabic Poems Based on Applied Criticism*" was published for the first time in 2015 by Shahid Madani University of Azerbaijan publisher. Amir Muqaddam Mottaghi, the author of the book, has tried, in his research, to evaluate Saadi's Arabic poems based on a research theory called applied criticism. He introduces this criticism as one of the types of practical criticism based on the effect on the reader. His book was published in 2017. The author has collected the contents of the book in three chapters. First, the theoretical framework of the discussion, then Saadi's life and works, and at the end, the review of Saadi's Arabic poems has been compiled on the basis of practical criticism. In this article, an effort is made to describe, analyze and criticize the mentioned book in the four axes of research structure, Saadiology, documentation of information and in-text references, errors, and content deficiencies. The insufficient and disorganized research method, the author's incorrect research theory, and the author's disregard for

* Professor of Persian Language and Literature of Yazd University, Yazd, Iran, (Corresponding Author),
reza_najjarian@yazd.ac.ir

** Assistant Professor of Persian Language and Literature of Yazd University, Yazd, Iran, raisi@yazd.ac.ir

Date received: 09-09-2022, Date of acceptance: 23-01-2023



۵۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۱۰، زمستان ۱۴۰۱

the principle of reference in the research have distracted the author from compiling a scientific and academic book that will resemble Saadi's Arabic poetry for the audience.

Keywords: Literary Criticism, Applied Criticism, Saadi, Arabic Poems of Saadi, Imagery.

نقدی در بوته زر

تحلیل انتقادی کتاب بررسی اشعار عربی سعدی برمبنای نقد کاربردی

محمد رضا نجاریان*

نقیسه رئیسی مبارکه**

چکیده

پژوهش در شعر عربی سعدی به‌هیچ‌روی، چه از لحاظ کیفیت و چه از لحاظ کمیت، هم‌تراز با اشعار فارسی این شاعر پرآوازه ایرانی نیست. این سخن، در تصحیح و شرح متن این اشعار آشکارتر است. کتاب بررسی اشعار عربی سعدی برمبنای نقد کاربردی برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ در انتشارات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان به چاپ رسید. امیر مقدم متقی، مؤلف کتاب، کوشیده است تا در پژوهش خویش اشعار عربی سعدی را براساس نظریه‌ای پژوهشی با نام نقد کاربردی بسنجد. او این نقد را از انواع نقد عملی برمبنای تأثیر در خواننده معرفی می‌کند. کتاب او در سال ۱۳۹۷ به چاپ دوم رسید. نویسنده مطالب کتاب را در سه فصل گردآورده است. ابتدا چهارچوب نظری بحث، سپس زندگی و آثار سعدی، و در پایان بررسی اشعار عربی سعدی را برمبنای نقد کاربردی تدوین کرده است. در این مقاله، کوشش بر این است که کتاب یادشده در چهار محور ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون‌متنی، و خطاها و نارسایی‌های محتوایی توصیف، تحلیل، و نقد شود. شیوه پژوهشی نارسا و بی‌سامان نظریه پژوهشی نادرست و بی‌توجهی نویسنده به اصل ارجاع در پژوهش نویسنده را از تدوین کتابی علمی و دانشگاهی که شعر عربی سعدی را به مخاطب بازشناسد، دور کرده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی، نقد کاربردی، سعدی، اشعار عربی سعدی، صور خیال.

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، reza_najjarian@yazd.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد، raisi@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۳



۱. مقدمه

کتاب بررسی اشعار عربی سعدی برمبنای نقد کاربردی در سال ۱۳۹۵ در انتشارات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان چاپ شد و در سال ۱۳۹۷ در همان انتشارات به چاپ دوم رسید. نویسنده کتاب، امیر مقلّم متقی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد است. این کتاب سه فصل دارد و در ۱۳۵ صفحه تدوین شده است. به استناد مقاله «بررسی قصیده راثیه سعدی در سوگ بغداد، برپایه نقد کاربردی» که همین نویسنده در سال ۱۳۹۳ در شماره پانزدهم فصل‌نامه لسان مبین به چاپ رسانده است، این کتاب مستخرج از طرحی پژوهشی با همین نام کتاب است که با حمایت مالی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان انجام گرفته است.

نویسنده در این کتاب، برپایه نقد کاربردی، به بررسی و ارزیابی اشعار عربی سعدی می‌پردازد و قصد دارد تصویر علمی و دقیق‌تری را از هنر شاعرانه سعدی در سرودن اشعار عربی دیوانش ارائه دهد. این مقاله می‌کوشد تا کتاب بررسی اشعار عربی سعدی برمبنای نقد کاربردی را به شیوه توصیفی - تحلیلی، از جوانب گوناگون بسنجد و آن را از لحاظ ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی و خطاها و نارسایی‌های محتوایی توصیف و ارزیابی کند.

۲. محاسن کتاب

نویسنده در کتاب بررسی اشعار سعدی برمبنای نقد کاربردی کوشیده است تا به تبیین علمی اشعار عربی سعدی برپایه چهارچوبی نظام‌مند بپردازد و این خود ارزش‌مندترین حسن کتاب است. افزون‌براین، اشعار عربی سعدی عرصه‌ای است که پژوهش‌گران زبان و ادب عربی و فارسی کم‌تر درمورد آن به تحقیق و تحلیل پرداخته‌اند و توجه مؤلف به این مبحث ستودنی است و می‌تواند راه‌گشا و انگیزه‌بخش پژوهش‌گران توانمند این عرصه شود. پژوهش کنونی می‌کوشد تا حاصل تلاش و پژوهش نویسنده را در نقد کاربردی اشعار عربی سعدی در بوتۀ نقد گذارد تا کتاب به عیار بهتری دست یابد.

۳. معایب کتاب

۱.۳ فرضیه‌های پژوهش

بعد از انتخاب موضوع پژوهش و تعریف مسئله پژوهش، پژوهش‌گر باید پرسش‌هایی را طراحی کند و در طرح فرضیه‌ها به آن پرسش‌ها پاسخی فرضی دهد. در بخش فرضیه‌های

پژوهش این کتاب، فرضیه برای مخاطب وضوحی ندارد و حدود آن نامشخص است. بهتر بود که فرضیه‌های پژوهش با شماره‌گذاری دقیق مشخص شود تا درطول خوانش کتاب روشنایی بخش مسیر خواننده باشد.

۲.۳ شیوه پژوهش

در این جا بایسته است که برای تبیین مطلب عین متن کتاب را در بیان شیوه پژوهش بازبنویسیم: «روش کار در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است که با مطالعه اشعار عربی سعدی، کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع و جمع‌آوری مطالب و درنهایت نقد و بررسی این اشعار برپایه داده‌های به‌دست‌آمده صورت گرفته است» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۱).

مخاطب با خواندن این جمله طولانی با شیوه پژوهش آشنا نمی‌شود و با روش پژوهش‌گر در رسیدن به هدف ارتباطی برقرار نمی‌کند و ازسوی دیگر، نشر این بخش آشفته و شتاب‌زده است. بهتر بود که در این بخش، درکنار شرح و گزارش روشن‌تر از شیوه پژوهش، نوشته می‌شد که اشعار عربی سعدی از چه تصحیحی انتخاب شده و بر چه اساسی ترجمه شده‌اند.

۳.۳ پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش یک مرور محققانه است و تا آن‌جا باید پیش برود که پیش‌زمینه تاریخی و علمی مسئله را روشن کند و جایگاه پژوهش را درمیان پژوهش‌های گذشته بازنماید. مرجع‌شناسی و شیوه دست‌رسی به منابع مؤثرترین اصل در پژوهش دانشگاهی است و لازم است که در این باره وقت، دقت، و حوصله کافی صرف کرد. ازسوی دیگر، نقل‌قول و استناد علمی به آثار پیشین بخشی از مسئولیت تحقیقی و علمی مؤلف است. پیشینه کتاب موردبحث ناقص و ناکارآمد است، همه منابع پژوهشی پیشین درباره اشعار عربی سعدی معرفی نشده است، و بخش پیشینه با اشاره‌ای گذرا به عنوان چند کتاب و نویسنده آن‌ها و معرفی یک مقاله و بیان کاستی و نارسایی آن مقاله به‌پایان رسیده است. درضمن، روند تکاملی پژوهش‌های قبلی براساس زمان مشخص نیست. هم‌چنین، نمی‌دانیم که ارتباط این پژوهش با پژوهش‌هایی که به‌اجمال معرفی شده‌اند چیست و چه مضامین و دستاوردهایی درباره اشعار عربی سعدی دارند. درادامه، تعدادی از مهم‌ترین کتاب‌ها و مقاله‌هایی که پیشینه کتاب است شناسانده و پیشنهاد می‌شود:

احسان عباس در مقاله‌ای با نام «ارزیابی اشعار عربی سعدی» که در سال ۱۳۶۳ در مجله آینده، با ترجمه جعفر مؤید شیرازی چاپ شده است، با نگاهی نکته‌یاب و بیانی موجز اشعار عربی سعدی را ارزیابی کرده است و مؤید شیرازی نیز این مقاله را، که اساساً خطاب به خود اوست، در دو کتاب شناختی تازه از سعدی و شعرهای عربی سعدی شیرازی آورده است.

محمدعلی القضاة در مقاله «قراءة نقدية في اشعار سعدی الشيرازی العربية» که در سال ۱۳۹۰ در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی نوشته شده است، به بررسی نوآوری‌های صوری و محتوایی سعدی در سرایش اشعار عربی‌اش پرداخته است.

هم‌چنین، فیروز حریرچی و دیگران، در سال ۱۳۹۱، مقاله‌ای را با نام «سعدی الشیرازی و حاضرة الاسلام في خلال قصيدة الرائية في رثاء بغداد» در مجله آفاق الحضارة الاسلامية چاپ کرده‌اند. ایشان در این مقاله قصیده رائية سعدی در رثای بغداد را از مناظر گوناگون هنری، شاعرانه، و عاطفی اعجاب‌آور دانسته‌اند و هم‌چنین بهره‌مندی سعدی از مضامین قرآنی و ویژگی‌های بلاغی را در بروز هنری این قصیده تأثیرگذار دانسته‌اند.

موسی اسوار نیز در کنار کتاب اشعار عربی سعدی که به‌همّت مرکز سعدی‌شناسی در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است و ترجمه‌ای هنرمندانه از اشعار عربی سعدی دارد، مقاله‌ای هم با نام «در رثای بغداد: نگاهی به قصاید عربی سعدی» نوشته است که در سال ۱۳۹۱ در مجله سعدی‌شناسی چاپ شده است. اسوار بر این باور است که با مطالعه شعر عربی سعدی، می‌توان بر استفاده از دانش وسیع قرآنی او و شناختش از شاعران بزرگ عرب، آگاهی یافت و گستردگی دایره واژگانی او، حسن انتقال و انسجام در موضوعات گوناگون را از خلال قصیده رائية او شناخت.

مصطفی کمال‌جو و الهام زارع در مقاله «تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به تشبیه»، که در سال ۱۳۹۲ در پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت چاپ شده است، با دقت تشبیه را در اشعار عربی سعدی بررسی و تحلیل کرده‌اند و با مشخص کردن انواع آن نشان داده‌اند که تشبیه، چه از لحاظ شکل و چه از نظر محتوا، در اشعار عربی سعدی نشان‌دهنده زبان خاص این شاعر است و سعدی در به‌کارگیری تشبیه بیش از آن‌که به دنبال بروز توانایی خود در بهره‌مندی از صنایع ادبی باشد، در پی ابلاغ معنا بوده است.

با خوانش و دقت در پژوهش‌هایی که معرفی شدند، ادعای نویسنده در پیشینه پژوهش کتاب نیاز به بازنگری دارد. او نوشته است:

وجه مشترک تمامی این آثار این است که نویسندگان آن‌ها غالباً به ذکر نکاتی کلی در مورد اشعار عربی سعدی اکتفا کرده‌اند، بی‌آن‌که قصیده یا قصایدی را مستقلاً مورد بحث و ارزیابی قرار دهند. در این آثار، به جز آثار آقای مؤید شیرازی که به حق در این حوزه تحقیقات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند، مطالب جدید کم‌تر به چشم می‌خورد و اغلب موارد، اظهار نظرات و نقل قول دیگران و در واقع تکرار مکررات است (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۲).

با توضیحاتی که در معرفی پیشینه پژوهش داده شد، می‌توان دریافت که پژوهش انجام شده در این کتاب چندان نو نیست و لازم است بیفزاییم که بهتر بود نویسنده به طرح پژوهشی خود در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، که این کتاب براساس آن نوشته شده، و هم‌چنین مقاله مستخرج از طرح، که در مجله لسان مبین منتشر شده است، اشاره می‌کرد.

۴.۳ نظریه پژوهش

نظریه معرفت‌بخش پژوهش است، چشم‌انداز تازه‌ای را به موضوع می‌گشاید، و رویکرد پژوهشی و پرسش‌های نوینی را در فرایند پژوهش مطرح می‌کند. بدون نظریه، پژوهش پشتوانه نظری ندارد و روش و هدف آن نامشخص است. نویسنده، نظریه پژوهشی این کتاب را نقد کاربردی معرفی می‌کند و آن را از انواع نقد عملی برمبنای تأثیر در خواننده می‌شناساند. مرجع نویسنده در شناساندن این نظریه دو کتاب *نقد ادبی* سیروس شمیسا و فرهنگ *اصطلاحات ادبی* سیما داد است. از ابتدای بندی که در صفحه ۱۸ کتاب نام «نقد نظری» بر خود دارد تا نزدیک به اواخر بخش نقد کاربردی نقل از کتاب *نقد ادبی* شمیسا است. روش کار شمیسا در کتاب *نقد ادبی* چنین است که در فصل دوم انواع نقد را اجمالاً معرفی می‌کند و سپس در فصول بعدی آن را شرح می‌دهد و تصویر روشن و جزئی‌نگری از هر یک از انواع نقد در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. نویسنده کتاب *بررسی اشعار عربی سعدی برمبنای نقد کاربردی* از خوانش فصل پانزدهم کتاب *نقد ادبی* با نام «نقد خواننده‌مدار» که توضیح مفصل نقد منتخب پژوهش اوست، غافل مانده و همین غفلت او شرح و کاربرد نظریه را به امری غامض و پیچیده تبدیل کرده است، تاحلی که با خوانش کتاب او درمی‌یابیم که اصلاً نقد کاربردی یا نقد به‌لحاظ خواننده را نشناخته است و با این ابزار ناشناخته می‌خواهد اشعار عربی سعدی را به ما بشناساند.

شمیسا، در فصل پانزدهم *نقد ادبی*، این نقد را چنین شرح می‌دهد:

تاکنون چندبار از نقد خواننده‌مدار (Reader Response Criticism) سخن گفته‌ایم و در اوایل کتاب هم جزو انواع نقد آن را مطرح کردیم، اما باتوجه‌به بحث هرمنوتیک لازم است مجدداً مروری در آن کنیم. نقد خواننده‌مدار در انواع مکاتب و نظریه‌های ادبی که از ۱۹۶۰ به بعد رواج یافتند، مطرح است. در این نوع نقد اهمیت بر خواننده است و عکس‌العمل‌های ذهنی او درمقابل متن و پاسخ‌هایی که به مسائل متن می‌دهد. ازاین‌رو منتقدان خواننده‌مدار به هرمنوتیک هم مربوط می‌شوند. همه این منتقدان عقیده دارند که معنی متن را خواننده مشخص می‌کند و به‌دلایل متعدد، مثلاً مسئله زبان یا ذات اثر هنری یک معنی که متفق‌علیه همه باشد، نداریم (شمیسا ۱۳۸۸: ۳۵۵).

بین هویت خواننده و فهم متن ارتباط است. ناخودآگاه متن، که معنای پنهان آن است، با ناخودآگاه خواننده بده‌وبستان دارد. فی‌الواقع متن وسیله است تا خواننده خود را بازباید و تفسیر و فهم متن، مبتنی بر همین هویت خواننده، یعنی وضع روانی اوست. وقتی متن انتظارات خواننده را برآورده نمی‌کند، خواننده موضع دفاعی می‌گیرد و معنی را مطابق خواست خود، که همان هویت اوست، تغییر می‌دهد و در نتیجه این هویت خواننده است که فهم اثر را به‌وجود می‌آورد. اما اگر متن به انتظارات خواننده جواب مثبت دهد، خواننده غرق در لذت می‌شود (همان: ۳۵۶).

این نقد درواقع منتقد و نه متن را به ما معرفی می‌کند؛ زیرا هر تفسیری از متن نشان‌دهنده هویت خاص خواننده آن است.

در توصیف نظریه نقد کاربردی در کتاب موردبحث، مبدع نقد بر ما نامشخص است و تحولاتی که درطول زمان اعمال شده و برداشت‌های گوناگون منتقدان هم‌سو با آن ناگفته مانده است. مخاطب کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی بر فروع نظریه در کتاب آگاه نمی‌شود و شیوه اعمال و کاربست نقد را نمی‌داند و این سردرگمی تا پایان خوانش کتاب او را رها نمی‌کند. با نگاهی به کتاب نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد عربی، اثر رز غریب، می‌توان گفت که نقد کاربردی اشعار عربی سعدی تا حدودی بر پایه نظریه‌ای که در این کتاب شرح و معرفی شده، نگاشته شده است و فروع نقد زیبایی‌شناسی غریب را به‌خاطر می‌آورد. در آن کتاب هم مباحثی چون اندیشه و موضوع، لفظ شعر، موسیقی و صوت‌پردازی، اصل غلو، و اصل غرابت و ابداع با مباحثی که در این کتاب مطرح شده هم‌سو و هم‌معناست. برای تسلط کافی، نمای کلی کاربست نظریه کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی را می‌نویسیم؛ کاری که کمبود آن در کتاب بسیار حس می‌شود و نارسایی و ابهام محتوایی کتاب را در بر دارد:

۲-۳-۲- استفاده از اسلوب‌های استدلالی و استشهادی؛

۳-۳-۲- اقتباس از قرآن و حدیث؛

۴-۲- بررسی موسیقی؛

۱-۴-۲- موسیقی بیرونی؛

۲-۴-۲- موسیقی درونی؛

۱-۲-۴-۲- هارمونی آواها و سازگاری آن با فضای معنایی؛

۲-۲-۴-۲- کاربرد انواع بدیع لفظی؛

۱-۲-۴-۲- جناس؛

۲-۲-۴-۲- رد الصدر الى العجز؛

۳-۴-۲- موسیقی معنوی؛

۱-۳-۴-۲- طباق

۲-۳-۴-۲- مقابله؛

۳-۳-۴-۲- مراعات النظیر؛

۴-۴-۲- موسیقی کناری؛

۳- بررسی عاطفه.

فصل دوم کتاب، با نام «زندگی و آثار سعدی»، در پنج صفحه به معرفی سعدی و آثارش می‌پردازد. نویسنده در نگارش این فصل رویکردی به منابع جدید و دست اول ندارد و به منابعی چون مقدمه کلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی یا سعدی‌نامه بسنده کرده است. او در این فصل شمار آثار سعدی را ۲۲ رساله می‌داند و تنها ده مورد آن را ذکر کرده و نقل قول این سخن را به خرمشاهی نسبت داده است که البته در بخش منابع، در فهرست نام نویسندگان، نام بهاءالدین خرمشاهی نیامده است، ولی با کمی جست‌وجو می‌توان دریافت که منظور نویسنده کلیات سعدی است که نشر دوستان چاپ کرده است و خرمشاهی مقدمه‌ای بر آن نوشته است. تقریباً همه این فصل نقل قول است و ما کم‌تر نشانی از سخن خود نویسنده کتاب درباره سعدی می‌بینیم. گویا نویسنده با زندگی سعدی بیگانه است که او را از دریچه نگاه سعدی پژوهان عرب‌زبان می‌بیند و «ابوبکر زنگی» را «ابی‌بکر زنگی» می‌نویسد، بدون این‌که به نگارش فارسی این کلمه توجه کند. نمونه‌های این رسم‌الخط عربی را می‌توان در صفحات ۶۹، ۸۵، ۹۱ و ۱۱۸ کتاب دید.

۵.۳ سعدی شناسی

نثر این بخش از کتاب نارسا و آشفته است و پراکندگی و شتابزدگی سخن در آن از فصول دیگر بیش تر است. از مصادیق این دریافت، می توان به دو نمونه اشاره کرد:

سعدی از معدود هنرمندانی است که در نظم و نثر، در انواع قالب های نظم و نثر دست توانا داشته است. باید توجه داشته باشیم که در آثار مشهور، لااقل مکتوبات بزرگانی چون سنایی و خاقانی هم هرگز به پای آثار منظوم آنها نمی رسیده است (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۲۵).

در این بخش، علاوه بر حشو عبارت «در انواع قالب های نظم و نثر»، منظور او از «قالب نثر» مشخص نیست و گمان می رود که منظور نویسنده از قالب ها انواع نثر باشد. قیاس جمله دوم مشخص نیست و مراجع ضمیرها مبهم است و نوع ساختار دو جمله در کنار هم تعقید معنوی و ابهام ایجاد کرده است. نمونه دیگر این مورد چنین است: «در باره زندگی، شخصیت ادبی و علمی و آثار سعدی، در کتاب های تاریخ ادبیات عربی و پژوهش هایی که عربی زبانان انجام داده اند، تقریباً همان است که در کتاب های فارسی مشاهده می شود» (همان: ۲۴). در این جمله هم ضعف ساختار هم نشینی جملات سبب تعقید شده است.

۶.۳ مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی

مستندسازی اندیشه ها و داده های پژوهش راه را بر سرقت ادبی و علمی می بندد و پژوهش گران را به اصول اخلاقی و قوانین جاری بر گفتمان دانشگاهی پای بند می کند. در این بخش، ارزش استنادهای کتاب و مرجع نویسی آن از سه منظر سنجیده می شود: سرقت علمی از خود، نقل قول های بی مرجع، و خطا در ارجاع نویسی.

۱,۶,۳ سرقت علمی از خود

سرقت علمی از خود زمانی رخ می دهد که پژوهش گر بخش هایی از پژوهش های منتشر شده خود را دوباره در پژوهشی دیگر استفاده کند.

برخی معترض اند که «از خوددزدی» تعبیری متناقض است. گروهی دیگر می گویند تکرار یک اندیشه و نوشته های مشابه در کار یک پژوهش گر ناشی از سبک نویسنده است. از سویی، دانشگاهیان مطالب خود را به شکل های مختلف بازنویسی و بازچاپ می کنند،

آن‌ها را باهم درمی‌آمیزند، خلاصه می‌کنند و در نوشته‌های دیگر خود به‌کار می‌برند. در نظر نخست، این کار دزدی علمی به‌شمار نمی‌رود، اما از آن‌جاکه در نظام دانشگاهی اساس ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهش‌ها بر سه اصل تازگی دانش، زمان تولید، و اعتبار رسانه‌نشردهنده نهاده شده است، بنابراین وقتی کسی یک دستاورد علمی را در زمان‌های مختلف، در قالب‌ها و رسانه‌های متفاوت، بازنویسی و تکرار کند، محققان و ارزیابان را گرفتار خطا می‌کند و از این‌رو می‌توان گفت وی خلاف ارزش‌های دانشگاهی و اخلاق حرفه‌ای عمل کرده است (فتوحی ۱۳۹۳: ۲۲۱).

همان‌طور که در مقدمه هم گفتیم، این کتاب حاصل طرحی پژوهشی با حمایت مالی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان است. از این طرح پژوهشی، مقاله‌ای ۳۵ صفحه‌ای با نام «بررسی قصیده‌رانیه سعدی در سوگ بغداد برپایه نقد کاربردی» استخراج شده است که شباهت بسیاری به کتاب نویسنده دارد. در آن مقاله، قصیده ۹۲بیتی رانیه سعدی در سوگ بغداد بررسی شده است و در کتاب همه اشعار عربی سعدی ارزیابی می‌شود. کتاب در طرح مسئله، فرضیه‌ها، پیشینه پژوهش، فصل اول، مقدمات، و تقسیم‌ها و استدلال‌های فصول دیگر با مقاله هم‌سان است. مقدمه و نتیجه‌گیری همه بخش شبیه مقاله است. برای اثبات مدعا، در صفحات ۴۸-۵۰، ۷۸-۷۹، ۹۲-۹۴، شباهت کامل با مقاله وجود دارد که البته این خود مثنوی نمونه خروار است. برای مثال، ذیل مبحث «ساختار زبانی» در مقاله آمده است: «یکی دیگر از عواملی که باعث سادگی این قصیده شده است، ساختار زبانی آن است؛ به عبارتی، اجزای کلام در این قصیده، اغلب سرجای خود نشسته‌اند و تقدیم و تأخیر محل فصاحت به چشم نمی‌خورد» (مقدم متقی ۱۳۹۳: ۱۲۷). در ذیل همین مبحث در کتاب آمده است: «یکی دیگر از عواملی که باعث سادگی این قصاید شده است، ساختار زبانی آن‌ها است؛ به عبارتی، اجزای کلام در این قصاید، اغلب سرجای خود نشسته‌اند و تقدیم و تأخیر محل فصاحت به چشم نمی‌خورد» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۴۵). حتی از نتایج نه‌گانه بخش انتهایی کتاب در صفحه ۱۲۸، نتیجه ۱، ۳، ۴، ۷، و ۸ کاملاً شبیه نتایج مقاله است.

در همان سال‌های پژوهش و نگارش کتاب، پایان‌نامه‌هایی بر همین اسلوب برپایه متون دیگر با راه‌نمایی ایشان انجام گرفته است که تعدادی از آن‌ها را معرفی می‌کنیم:

- بررسی ادعیه امام سجّاد علیه‌السلام براساس نقد کاربردی (دعای ابوحمزه شمالی، مناجات خمس عشره)، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، خرداد ۱۳۹۳.
- واکاوی اسلوب، معنا و عاطفه در دعای عرفه امام حسین (ع) و زیارت جامعه کبیره امام هادی (ع)، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، مهر ۱۳۹۳.

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۱

- بازتاب هنری تناسب لفظ و معنی در خطبه‌های الغدیر، فدکیه، قاصعه، اشباح، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، آذر ۱۳۹۴.

- وحدت و کثرت در خطبه‌های متقین، شتقیه، غرآء و الزهراء نهج البلاغه از دیدگاه نقد زیبایی‌شناسی، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، اسفند ۱۳۹۶.

- بازشناسی جلوه‌های زیبایی سخن در دعای کمیل و دعای ندبه، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، شهریور ۱۳۹۷.

مهم‌تر از موارد بالا، موردی که تا حدّ بسیاری با کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی شباهت دارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد است که عنوان آن چنین است:

- بازتاب هنری لفظ و معنا در اشعار عربی سعدی بر پایه نقد زیبایی‌شناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی، تابستان ۱۳۹۸.

افزون‌براین، نویسنده کتاب در سال ۱۳۸۵ در همایش ملی قرآن‌پژوهی، مقاله‌ای با نام «تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی» نوشته است که بخش بررسی موسیقی درونی کتاب در صفحه ۱۰۵ متأثر از آن است. برای مثال، از هر دو متن، نمونه‌های مشابه را می‌آوریم که نویسنده تنها به‌جای واژه «فواصل قرآنی» عبارت «قصاید سعدی» را آورده است:

«هارمونی آواها و سازگاری آن‌ها با فضای معنوی قصاید، به‌گونه‌ای که متغیرهای فونتیک، هجایی و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی در سراسر ابیات هم‌راه و هم‌پاست» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۰۵).

«زمانی دیگر در میان معنا و لفظ و هارمونی آواها و سازگاری با معانی نمایان می‌شود، به‌گونه‌ای که متغیرهای فونتیک، هجایی، و آوایی با متغیرهای سمانتیک و معنایی در سراسر فواصل هم‌راه و هم‌پاست» (مقدم متقی ۱۳۸۵: ۱۴۳).

نمونه دیگر چنین است:

با تأمل در اشعار عربی سعدی، درمی‌یابیم که در سراسر ابیات این قصاید، حرکت، سکون، مخارج و حروف، مد و غنّه، متناسب با سیاق معانی و مضامین و مقتضیات مربوط به سخن، دگرگون می‌شود و این ویژگی، از رازهای معماری این قصاید به‌شمار می‌رود (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۰۵).

«حرکت، سکون، مخارج و حروف، مد و غنه، متناسب با سیاق معانی و مضامین و مقتضیات مربوط به سخن، دگرگون می‌شود و این ویژگی در فواصل آیات قرآنی، رازی از رازهای معماری قرآن به‌شمار می‌رود» (مقدم متقی ۱۳۸۵: ۱۴۳) که البته این مفاهیم هم بسیار متأثر از کتاب زبان قرآن مقصود فراست‌خواه در صفحات ۱۶۵-۱۶۸ است.

هم‌چنین، بند چهارم صفحه ۱۱۲، بند دوم صفحه ۱۱۳، و بند اول صفحه ۱۱۵ در کتاب عیناً در مقاله «تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی» آمده است. حتی گاهی نقل‌قول‌های مقاله در بازنویسی‌های چندباره نادیده گرفته شده است؛ برای مثال، در بند چهارم صفحه ۱۱۲، نویسنده آن را به مقاله خودش، با عنوان «زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا» ارجاع داده است، درحالی‌که با مراجعه به مقاله درمی‌یابیم که این بند از کتاب *اسس النقد الادبی عند العرب* از احمد بدوی است.

هم‌چنین، بندی در صفحه ۱۷۶ مقاله «زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا» و نیز در صفحه ۱۶۳ «تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی» وجود دارد که نویسنده در بند اول صفحه ۱۲۰ کتاب آن را به خود نسبت داده است، که دراصل از صفحه ۱۰۷ مقاله «نظری به تدوین دانش بدیع در ادب فارسی» نعمت‌الله ایران‌زاده است.

به این نوع سرقت از خود در زبان انگلیسی «قاچ‌زدن» (Salami-Slicing) می‌گویند و قاچ‌زدن یعنی «انتشار پاره‌پاره یک پژوهش در چند جا؛ مثلاً همایش، نشریه، کتاب و تارنمای اینترنتی» (فتوحی ۱۳۹۳: ۲۲۰).

۲,۶,۳ نقل قول‌های بی‌مرجع

نویسنده در نوشتن کتاب *بررسی اشعار عربی سعدی* از دو کتاب *جعفر مؤید شیرازی*، با عنوان *شعرهای عربی سعدی شیرازی و شناخت تازه از سعدی*، استفاده کرده است. تقریباً همه ترجمه‌های فارسی اشعار از کتاب *شعرهای عربی سعدی شیرازی* است و به چنین امر مهمی در هیچ‌جای کتاب اشاره نشده است. البته گاهی نویسنده تنها یک یا چند واژه را در این ترجمه‌ها تغییر داده است، اما عموماً ترجمه‌ها یک‌سان است. برای نمونه، دو ترجمه را می‌آوریم:

- «خونم را کام و دهانی خندان حلال دانست، باشد که خداوند بر کشته آن کام و دهان، رحمت آورد» (مؤید شیرازی ۱۳۷۲: ۹۳).

- «خونم را لبی خندان حلال دانست، باشد که خداوند بر کشته آن کام و دهان، رحمت آورد» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۳۳).

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۳

در نمونه بالا، نویسنده به جای «کام و دهان» اول واژه لب را گذاشته است، در صورتی که این هردو معادل کلمه «نغر» است. هم‌چنین، در ترجمه بیتی در صفحه‌ای دیگر «پریان و انسان‌ها و جهان آفرینش همه در پیشگاه او به تواضع سجده می‌برند» (همان: ۳۴) که در صفحه ۱۳۵ ترجمه مؤید شیرازی، به جای ضمیر «او»، «وی» آمده است. جالب است که یک‌بار هم در صفحه ۹۴، نویسنده با وجود ترجمه‌ای از خود در اواسط صفحه باز ترجمه مؤید شیرازی را در کمانک ذکر می‌کند.

اقتباس‌های بی‌نام‌ونشان نویسنده از دو کتاب مؤید شیرازی تنها به ترجمه ابیات عربی سعدی ختم نمی‌شود. در ذیل عنوان «فصاحت و غرابت» در صفحه ۷۱ کتاب موارد ذکر شده همه از پانوشته‌های کتاب *شعرهای عربی سعدی شیرازی* است که تعداد کمی از آن‌ها ارجاع دارد و بیش‌تر آن‌ها ارجاعی ندارند.

جدول ۱. اقتباس واژگان بی‌نام‌ونشان نویسنده از دو کتاب مؤید شیرازی در کتاب مدنظر

واژه	شماره صفحه در کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی	شماره صفحه در کتاب شعرهای عربی سعدی شیرازی	ارجاع
اُکله	۷۲	۳۶	دارد
کعبه	۷۲	۶۶	ندارد
خنساء	۷۲	۶۸	ندارد
مستعصم	۷۲	۷۰	ندارد
منی	۷۳	۷۸	ندارد
الجبل	۷۳	۵۲	ندارد
الدواریس	۷۳	۶۸	ندارد
کأس	۷۴	۷۲	ندارد
زید و عمرو	۷۴	۸۰	ندارد
لاهیة	۷۵	۱۱۲	ندارد

در صفحه ۹۴، ذیل عنوان «اقتباس از قرآن و حدیث»، تمام شواهد قرآنی از پانوشته ابیات شعر سعدی در کتاب *شعرهای عربی سعدی شیرازی* گرفته شده است.

گاهی هم که نویسنده به کتاب مؤید شیرازی ارجاع می‌دهد، بیش‌تر مباحث آن بخش را ارجاع‌های پی‌درپی به این کتاب در بر می‌گیرد. مثلاً در ذیل عنوان «جدیدبودن معانی یا تقلید»، بیش‌تر مطالب، از کتاب مؤید شیرازی است که البته با ارجاع هم آمده است، ولی دیگر کلامی از نویسنده کتاب نمی‌بینیم. در ذیل همین عنوان یادشده، باز هم بسیاری از مطالب از کتاب

مؤید شیرازی است که ارجاعی هم ندارد، بلکه به منابع و اسناد خود مؤید شیرازی ارجاع داده است. برای نمونه، می‌توان به پانوشت صفحه ۶۱ و دو شاهد مثال «جاء الشتاء و عندي من حوائجه» و «يقولون كافات الشتاء كثيرة» اشاره کرد.

هم‌چنین، فهرست منابع پایانی کتاب ناقص است و همه منابع استفاده‌شده در کتاب را در بر نمی‌گیرد. برای مثال، نشانی از نام مؤلفانی چون خرّمشاهی و ابراهیم محمّد در صفحه ۲۶ و انیس المقدسی در صفحه ۴۳ در فهرست پایانی نیست.

گاهی نویسنده از ارجاعات منابع دیده‌شده نام می‌برد، بدون این‌که نام منبع اصلی دیده‌شده‌اش را ذکر کند. ارجاع (دیچز بی تا: ۹۲ و ۹۳ و ۹۵) صفحه ۱۹ کتاب از صفحه ۴۴ کتاب نقد ادبی شمیسا اقتباس شده است. ارجاع (حسین محفوظ ۱۳۷۷: ۲۲۱) در صفحه ۶۳ کتاب، از صفحه ۱۴۰ کتاب شعرهای عربی سعدی مؤید شیرازی است.

۳,۶,۳ خطا در ارجاع‌نویسی

بخشی از پشتوانه پژوهش در گرو ارزش علمی و اصالت نسخه و منابع آن است. ازسوی دیگر، روش‌شناسی ارجاع‌نویسی در پژوهش امری اساسی است و پیروی از روش‌های معتبر و باریک‌بینی در یک‌دست اجراکردن این روش‌ها بر هر پژوهش‌گری بایسته است. ارجاع‌نویسی در این کتاب دو مشکل اساسی دارد: بی‌نظمی و بی‌روشی در ارجاع‌نویسی، استفاده از القاب غیرپژوهشی درمورد نویسندگان و پژوهش‌گران.

۱,۳,۶,۳ بی‌نظمی و بی‌روشی در ارجاع‌نویسی

گاهی نویسنده کتاب، در ارجاع به منابع پژوهشی خود، خطا کرده است که تعدادی از آن‌ها را بازمی‌نماییم.

در صفحه ۱۸ کتاب با چنین ارجاعی روبه‌رویم: «زرین‌کوب، ۱۳۷۳ش، ج ۱ و ۲: ۵» که البته ذکر جلد ۱ و ۲ که در هم ادغام شده‌اند، لزومی ندارد. در تکرار ارجاع، ذکر واژه «همان» کافی است، ولی در چند جای کتاب از عبارت همان مأخذ (صفحات ۱۹ و ۲۳) استفاده شده است. گاهی نام کتاب به‌جای نام نویسنده آمده است. مانند «کلیات ۱۳۸۱ ش، ص ۱۲۶» در صفحه ۲۳ که به‌جای کلیات باید «سعدی» نوشته می‌شد. در ارجاع‌نویسی این کتاب، می‌بینیم که گاهی ذکر نام نویسنده فراموش شده است. مانند صفحه ۳۱ کتاب: «(۱۳۶۴ ش: ۱۱۴-۱۱۳)». گاهی

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۵

نام مترجم به جای نام مؤلف آمده است. مثلاً در صفحه ۲۸ در ارجاع «مؤید، ۱۳۷۷: ۱۲-۱۱» به جای نام «مؤید» باید نام «احسان عباس» می آمد.

۲,۳,۶,۳ استفاده از القاب و صفات غیر پژوهشی در مورد نویسندگان و پژوهشگران

استفاده از القاب و صفات غیر پژوهشی در کتاب آن را از شمایل یک اثر پژوهشی دور می کند، درحالی که در متون پژوهشی اعتبار پژوهشی افراد در نوشته هایشان نمایان می شود و به مشاغل و محل کار و عناوین آنها نیازی نیست. «استاد سابق دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز» در معرفی مؤید شیرازی در صفحه ۹ «استاد قدیم دانش سرای عالی» در معرفی قاسم تویسرکانی در صفحه ۱۱ و استفاده از عنوان «آقا»، مثلاً در جمله «به جز آقای مؤید شیرازی که به حق در این حوزه تحقیقات ارزنده ای ارائه کرده اند» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۲) از این نمونه اند. گاهی به صفاتی بی نام و نشان برمی خوریم که تشخیص هویت آنها مبهم و دشوار است. مثلاً در جمله ای چنین نوشته شده است: «همان طور که مصحح کلیات سعدی، در پیش گفتار بدان اشاره کرده است» (همان: ۲۴). این مصحح کلیات سعدی کیست؟ «محمدعلی فروغی» یا «بهاءالدین خرمشاهی»؟

۷.۳ خطاها و نارسایی های محتوایی

نادرستی و ضعف نظریه و ابهام آن رسایی محتوای کتاب را خلل پذیر کرده است و این امر مخاطب را در شناخت اشعار عربی سعدی سردرگم می کند و به مقصود خاصی نمی رساند.

۱,۷,۳ خطا در نقل نسخه

در نقل اشعار عربی سعدی، خطاهایی در کتاب دیده می شود که انتظار می رفت نویسنده کتاب با دیدگاهی انتقادی به آنها اشاره کند. با نگاهی کلی می توان این خطاها را در سه سطح واژگان، اعراب، و حرکت گذاری تقسیم کرد که براساس نسخه های معتبر و نیز قواعد زبان عربی صحیح نیست. در این بخش، برای هر سه سطح یاد شده، نمونه هایی ذکر می کنیم.

۱,۱,۷,۳ سطح واژگان

- در نمونه زیر:

خَلَّنِي أَسْهَرُ نَيْلِي وَ دَعِ النَّاسَ نِيَاماً

(همان: ۱۰۰)

«نیلی» باید «لیلی» باشد و «سَهَرُ اللَّیَالِی» به معنی «شب‌زنده‌داری کردن» است. در کتاب مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۱۳۲) نیز «أَسْهَرُ لیلی» ضبط شده است.

- در نمونه دیگر، چنین آمده است:

مَا عَلَى الْعَاقِلِ مِنْ لَغْوٍ وَإِذَا مَرَّ كِرَامًا

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۱۰۱).

براساس آن که «کراماً» جمع مکسر و در نقش حال است، فعل «مَرَّ» باید «مَرَّوا» باشد. در پانویشت کتاب شعرهای عربی سعدی شیرازی چنین آمده است: «مَرَّ» مطابق اقبال است. تمام نسخه‌های دیگر: «مَرَّوا»، که با فاعل مفرد «العَاقِل» تناسب ندارد. از طرفی به قرینه «الجاهل» در مصراع بعد نمی‌توان فرض کرد «العَاقِل» غلط باشد. «إِذَا مَرَّوا بِاللَّغْوِ مَرَّوا كِرَامًا». در کلیات سعدی به تصحیح فروغی نیز «مَرَّوا کراماً» (۱۳۸۰: ۷۷۲) آمده است، ولی در کتاب اشعار عربی سعدی (مَرَّ) (اسوار ۱۳۹۰: ۹۰) ضبط شده است. به عقیده نگارندگان، «ال» در «العَاقِل»، از باب استغراق، می‌تواند افاده جمع داشته باشد.

استغراق جنس، استغراقی است که بر شمول معنا نسبت به تمام افراد دلالت دارد. این نوع از ال، چند علامت دارد. ۱: قرارگرفتن لفظ «کل» به جای «أل» صحیح است. مانند: (وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا) که در این آیه شریفه، به جای ال در «الانسان»، می‌توان لفظ کل را قرار داد. ۲: استثنا از آن صحیح است. مانند آیه فوق، که در آن، از کلمه «الانسان» استثنا شده است. ۳: ذکر نعت جمع برای آن صحیح است. مانند «أَهْلَكَ النَّاسُ الدِّينَارَ الْحُمْرَ وَالدَّرْهَمَ الْبَيْضَ» که در این مثال برای «الدینار» و «الدرهم» صفت، به صورت جمع آورده شده است (حسن ۱۴۲۲ ق: ۱، ۳۸۶).

۲،۱،۷،۳ سطح اعراب

در بیت

وَأَمِيرٌ فِي جِسْمِي وَطَاقِهِ شَعْرَةٌ فَأَصِيبُهُ مِنْهَا أَدَقُّ وَأَضْعَفَا

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۶۵)

«أدقُّ» در نقش مفعول ثانی، منصوب است، درحالی‌که در نسخه کتاب مرفوع ذکر شده است. در کتاب مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۱۲۰) و در کلیات سعدی به تصحیح فروغی (۱۳۸۰: ۷۷۰) نیز «أدقُّ» منصوب است.

۳،۱،۷،۳ سطح حرکت گذاری

در بیت

أدیرت کؤوس الموت حتی کانه رؤوس الأساری ترَجَّحْنُ مِنَ السُّكْرِ

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۸۴)

واژه درست در مصراع دوم، «تَرَجَّحْنَ»، فعل مفرد مؤنث غایب مؤکد به نون تأکید ثقیله است. بنابراین، مبنی بر فتح و با وزن عروضی فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن هماهنگ است، درحالی که در کتاب با کسره آمده و نون هم مضموم شده است. مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۶۶) ذیل این بیت در پانوشت کتابش نوشته است: «غیر از فروغی، تمام نسخه‌ها: قد رجحن - که غلط است». البته فروغی (۱۳۸۰: ۷۵۷) این واژه را «تَرَجَّحْنُ» ضبط کرده است. در کتاب ادیب الفارسیه و شاعرها الکبیر سعدی شیرازی (۱۳۶۴: ۱۷۵)، فعل به صورت «تَرَجَّحْنَ» با تشدید روی جیم و از باب تفعل جمع مؤنث غایب ماضی ذکر شده است. اسوار (۱۳۹۰: ۱۳) نیز این واژه را «تَرَجَّحْنُ» ضبط کرده است.

۳،۷،۲ خطا در تشخیص نوع صرفی واژگان

سعدی نیز شاید همانند دیگر ادیبان زبان عربی به خطاهای زبانی دچار شده است، اما ممکن است بعضی از این نسبت‌دادن‌ها در ناآشنایی تحلیل‌گران شعر عربی سعدی با صرف زبان عربی ریشه داشته باشد.

مؤلف کتاب، بیت

یا لهفَ عَصْرُ شَبَابٍ مَرَّ لَاهِيَةً لَا لَهْوَ بَعْدَ اشْتِغَالِ الشَّيْبِ فِي رَأْسِي

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۷۵)

را شاهدهی برای عیوب فصاحت در کلمه شناسانده است؛ «واژه «لاهیة» در نقش حال برای عصر است و باید به صورت مذکر بیاید» (همان: ۷۵). البته همین نکته را مؤید شیرازی (۱۳۷۲: ۱۱۲) در کتاب خود ذکر کرده و مؤلف نیز بدون ارجاع آن را در کتاب خود نوشته است. نکته شایان دقت این است که «فاعله» می‌تواند از اوزان صیغه مبالغه باشد. ذهبی تهرانی در اساس الصرف (۱۳۶۳: ۳۶) «فاعله» را جزو اوزان هجده گانه صیغه مبالغه می‌داند و برای آن، واژه «فاطمه» به معنی بسیار جداکننده را مثال می‌زند و در ادامه، چنین می‌نویسد: «در بسیاری از

اوزان نام‌برده، صیغه‌های مذکر با صیغه مؤنث مشترک هستند، چنان‌چه در اوزان مفعیل، مفعاله، فَعَلَه، فَعَلَه، فَعُولَه، فَاعِلَه و فَعَالَه چنین است» (همان: ۳۷). «لَاهِيَه: مفرد لصيغه مبالغه علی وزن فاعله... والذی جذره (لهو)» (المعانی ۲۰۲۲م، بند ۶). از سوی دیگر، اگر «لاهیة» را به‌عنوان مصدر در نظر بگیریم و اگر همین مصدر در مفهوم حال به‌کار رود، مبالغه‌ای دوچندان در متن ادبی می‌آفریند. همان‌گونه که سعدی در چند بیت بعد از همین بیت «لائمه» را چنین به‌کار برده است:

وَاحْشُرْنَ اَعْمَىٰ اِنْ اسْتَوْجِبْتُ لَائِمَةً لَا اَقْتَضِحُ بَيْنَ جِيرَانِي وَجُلَّاسِي

(سعدی ۱۳۷۲: ۱۱۴)

در کتاب موسوعه علوم اللغة العربيه، ذیل عنوان «المصدر علی زنه اسم الفاعل» چنین آمده است: «وردت مصادر سماعیه نادره جاءت علی وزن اسم الفاعل، نحو: قمت قائماً، أی: قیاماً، ونحو الآیه: (فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ) (الحاقه: الآیه ۸)، أی: بقاء» (يعقوب ۱۴۲۷ ق: ج ۸، ۴۸۶).

۳،۷،۳ تقسیم‌بندی‌های مبهم و بی‌فایده

در تقسیم‌بندی اصلی کتاب سه محور اساسی وجود دارد؛ معنا، اسلوب، و عاطفه. نویسنده در کتاب این سه محور و لزوم پرداخت به آن‌ها را برای مخاطب کاملاً مشخص نمی‌کند. در نتیجه، او نمی‌تواند با این ابزار به نقدی کاربردی یا خواننده‌مدار برسد. به بیان دیگر، منظور علمی از این واژگان نامشخص است. ریشه این تقسیم‌بندی‌های مبهم نظریه سست کتاب است. مثلاً خواننده در ذیل مبحث «واژه‌های پرکاربرد و متداول» در صفحه ۳۲ کتاب با انواع واژگان اشعار عربی سعدی از نظر مفهومی روبه‌رو می‌شود، ولی نمی‌داند که این تقسیم‌بندی به او در شناخت کاربردی اشعار عربی سعدی چه کمکی می‌کند.

۳،۷،۴ نامشخص بودن ملاک‌های ارزیابی

در متن کتاب با استنباط‌ها و قواعدی روبه‌رو می‌شویم که ملاکی برای تشخیص آن‌ها ذکر نمی‌شود. برای مثال، در صفحه ۴۱ کتاب، واژگان نامأنوس قصاید عربی سعدی معرفی می‌شود که عبارت‌اند از قنطوراء، هاروت، جالینوس، سمسمة، و سقلاط و اصلاً مشخص نیست که طبق چه ملاکی و براساس چه قواعدی این واژگان نامأنوس شناخته می‌شوند. هم‌چنین، در ذیل «ساختار زبانی» آمده است: «به‌باور نگارنده، این سادگی بیش از حد در قالب تعدد ذکر اسامی

نقدی در بوته زر ... (محمد رضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۶۹

خاص و معروف و الفاظ قریب به ذهن یا تکثر عبارات نثرگونه باعث شده تا سعدی را در این حوزه، از رتبه نخست شاعری فروکشد» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۴۹). از این عبارت درمی یابیم که از نظر مؤلف، سادگی کلام سعدی ملال آور به نظر می رسد. در صورتی که می دانیم سادگی و روانی شعر سعدی سبب شده است تا به شعر او صفت «سهل و ممتنع» را دهند. آنچه سبب بروز چنین خطاها و قضاوت های نادرستی در مورد اشعار عربی سعدی شده است، مقایسه شعر عربی او در جایگاه یک شاعر فارسی زبان با شاعران عرب زبان است. به سخن دیگر:

صرف نظر از برخی مسامحات زبانی، هم چون تذکیر و تأنیث نابه جای برخی کلمات در شعر او که چه بسا معلول تصرف کاتبان نیز باشد، کلیت اشعار عربی سعدی از اشراف او بر زبان و آگاهی از اقتضات شعر عربی حکایت دارد. جایگاه سعدی در شعر عربی برای مخاطب فارسی زبان وقتی ملموس تر می شود که با عربی سرایی دیگر شاعران سنجیده شود (اسوار ۱۳۹۱: ۱۷۵).

در ادامه همین مطلب، موسی اسوار برای اثبات مدعای خویش در این مقاله شعر عربی سعدی را با شعر عربی مولانا در غزلیات شمس سنجیده است.

۵,۷,۳ تکرار محتوا

با نگاهی به محتوای کتاب، درمی یابیم که نویسنده، ذیل هر عنوان، شواهدی از اشعار عربی سعدی آورده است و گاهی می بینیم که یک بیت چهار الی هفت بار در سراسر کتاب با ترجمه و مرجع آن در کتاب کلیات سعدی تکرار می شود. برای نمونه، بیت زیر با ترجمه و مرجعش در صفحات ۴۹، ۵۹، ۶۸، ۷۷ (دوبار)، ۸۱، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۷، و ۱۲۴ تکرار شده است:

حَبَسْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامِعَ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السُّكْرِ

این تکرار ملال آور ابیات عربی و معنای فارسی آن حجم زیادی از کتاب را فراگرفته است، و گرنه محتوای کتاب تقریباً در حد همان مقاله ای می شد که در مجله لسان مبین چاپ شده است.

۶,۷,۳ توضیحات کم و نارسا

توضیحات توصیفی و تحلیلی اندک کتاب تقسیم بندی ها و روند پیش روی کتاب را برای مخاطب گنگ کرده است. هم چنین، در بخش نظریه و فرضیه پژوهش، با کمبود چنین

توضیحاتی روبه‌رویییم و همان‌طور که گفتیم بهتر بود که نویسنده کتاب نمودار کاربردی نظریه را برای مخاطبان ترسیم می‌کرد. هم‌چنین، مهم‌ترین نکته‌ای که نویسنده رعایت نکرده، این است که بعد از آوردن مثال‌های شعر عربی برای اثبات یا نمونه، مبحث را بدون هیچ توضیحی رها کرده است. مثلاً در صفحه ۶۵ کتاب آمده است: «به‌باور نگارنده، گاه به تعبیرات نادر و زیبایی برمی‌خوریم که از حیث مضمون و سیاق، در اشعار شعرای پیش از او، یا دیده نمی‌شود، یا کم‌تر به چشم می‌خورد» (مقدم متقی ۱۳۹۷: ۶۵). بعد از این مطلب نه مثال آمده است که فقط ترجمه فارسی دارند و مخاطب در هیچ‌کدام از مثال‌ها با این تعبیرات نادر و زیبا آشنا نمی‌شود. هم‌چنین، در بیت ۲۲ صفحه ۸۳، بیت ۴۳ صفحه ۸۷، و بیت ۴۴ صفحه ۸۷ که در ذیل مبحث تشبیه آمده‌اند، تشبیهات و ارکان آن مشخص نشده‌اند. برای مثال، نویسنده می‌توانست ذیل بیت زیر تشبیه آن را دست‌کم چنین توضیح دهد:

وَمَجْلِسُنَا يَحْكِي مَنَازِلَ جَنَّةٍ وَفِي يَدِ حَوَارِئِ الْمَحَلَّةِ كُوبُهُا

(همان: ۸۳)

تشبیه با ادات فعلی «یحکی» صورت گرفته و «مجلسنا» به «منازل جنّه» مانند شده است. گاهی بین مثال و توضیح فاصله بسیاری افتاده است. مثلاً در صفحه ۷۴-۷۵ چند واژه معرفی می‌شود و بعد از چندین سطر، توضیح آن می‌آید. بهتر بود که هرکدام از این‌ها تقسیم‌بندی عنوان‌داری می‌یافت که چنین گیج‌کننده نمی‌شد. لازم است بیفزاییم که درکل، نمی‌دانیم شناخت صرف تشبیه، استعاره، و کنایه در شعر عربی سعدی چه نگاه نقادانه‌ای را به مخاطب ارائه می‌دهد. بهتر بود که با ذکر ارزش بلاغی این صور خیال و تحلیل آماری آن‌ها، مطلب کاربردی‌تری به مخاطب ارائه می‌شد. برای مثال، در تعریف استعاره تبعیه در پانوشت صفحه ۷۹ به‌نقل از جواهر البلاغه صفحه ۳۷۱، از لفظ مستعار مشتق و حرف سخن رفته است، درحالی‌که لازم بود که به فعل هم اشاره شود. علت گذاشتن نام «تبعیه» بر این استعاره این است که استعاره در افعال و مشتقات، در مصدر و استعاره در حروف، در معانی واقع می‌شود، نه در خود آن‌ها. « وَتَبَعِيَّةٌ: وَهِيَ مَا كَانَ اللَّفْظُ فِيهَا غَيْرَ اسْمٍ جِنْسٍ كَالْفِعْلِ وَالْمُشْتَقَّاتِ كَسَائِرِ الْآيَاتِ السَّابِقَةِ وَكَالْحُرُوفِ » (سیوطی ۱۳۹۴ ق: ج ۳، ۱۵۲).

نویسنده، ذیل بیت زیر از صفحه ۸۸، «احمد المعصوم» را کنایه از خلیفه عباسی می‌داند:

أَيَا أَحْمَدَ الْمَعْصُومِ لَسْتَ بِخَاسِرٍ وَرُوْحُكَ وَالْفِرْدَوْسُ عَسْرٌ مَعَ الْيُسْرِ

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۱

در این جا مشخص نیست که مقصود از احمد المعصوم، احمد مستنصر، جانشین مستعصم است یا سعدی «ابو احمد بن منصور بن محمد المستعصم بالله» را مجازاً احمد نامیده است که انتظار می‌رفت نویسنده به این مطلب اشاره کند.

۷,۷.۳ کاستی و خطا در تبیین صور خیال و صنایع ادبی

نویسنده در تبیین صور خیال در شعر عربی سعدی به تشبیه، استعاره، و کنایه بسنده کرده و از بیان انواع این تصاویر در شعر شاعر و تحلیل آن‌ها، سر باز زده و در کتابش از مجاز و اسناد مجازی شعر عربی سعدی سخنی نگفته است. در بخش کاربرد انواع بدیع لفظی، فقط به دو آرایه جناس و ردالعجز علی الصدر پرداخته و در بررسی بدیع معنوی، به آوردن نمونه‌هایی از طباق، مقابله و مراعات النظیر اکتفا کرده است. با وجود چنین پرداخت سطحی و زودگذری به بحث بیان و بدیع در شعر عربی سعدی همین مباحث کوتاه نیز نظم منطقی ندارد و عموماً بی‌هیچ توضیح و تحلیلی رها می‌شود. هم‌چنین، شواهد دسته‌بندی مشخصی ندارند. البته همین تبیین کوتاه و درهم خطاهایی دارد که تعدادی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

- در ذیل بیت

كَأَنَّ جُفُونِي عَاهَدَتْ بَعْدَ بَعْدِهِمْ بِأَنَّ لَمْ تَنْزَلْ تُبْكِي أَسَىٰ وَ تَأَلَّتْ

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۷۹)

آمده است: «در این بیت ”جفون“، در قالب استعاره تصریحیه اصلیه، به انسان تشبیه شده است». درباره این توضیح، ذکر دو نکته ضروری است؛ اول این که اگر «جفون» را استعاره در نظر بگیریم قطعاً استعاره مکنیه است و دوم این که «جفن» پلک چشم است که مجازاً به علاقه مجاورت یا جزئیت در مفهوم چشم به کار رفته است.

- در ذیل بیت

حَسَبْتُ بِجَفْنِي الْمَدَامِعَ لَا تَجْرِي فَلَمَّا طَغَى الْمَاءُ اسْتَطَالَ عَلَى السُّكْرِ

(همان: ۸۱)

آمده است: «طغیان که امری عقلی است، استعاره آورده شده برای کثرت و لبریز شدن آب که امری حسی است با جامع افراط در هردو در قالب استعاره تصریحیه اصلیه».

واضح است که استعاره در فعل «طغی» صورت گرفته است و بنابراین، از نوع تبعیه است. اتفاقاً در معالم البلاغه، ذیل مباحث مستعارمنه عقلی و مستعارله حسّی، همین شاهد، با این توضیحات نوشته شده است: «طغیان که به معنی تکبر و تجاوز از حد است و امری است عقلی، استعاره آورده برای کثرت و بالآمدن آب که امری حسّی است و جامع استعلائی مفرط است و آن نیز عقلی است» (رجایی ۱۳۷۶: ۲۹۷). می‌بینیم که سخنی از استعاره تصریحیه اصلیه نیست.

- در ذیل بیت

يُبَالِغُ فِي الْإِنْفَاقِ وَالْعَدْلِ وَالتَّقَى مُبَالَغَةَ السَّعْدِي فِي نُكْتِ الشَّعْرِ

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۸۶)

که شاعری برای تشبیه بلیغ است، چنین آمده است: «کاربرد تشبیه بلیغ در "مُبَالَغَةَ السَّعْدِي" در اصل بوده "يُبَالِغُ مُبَالَغَةَ كِمْبَالَغَةَ السَّعْدِي" در کتاب درسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامة در مبحث «صور الوقوع التشبييه البليغ» چنین آمده است: «أن يقع مصدراً مُبَيَّنّاً للنوع. كقوله تعالى: (وهي تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ)» (فاضلی ۱۳۷۶: ۱۶۰). براساس این کتاب، مفعول مطلق نوعی اضافی از گونه‌های تشبیه بلیغ نامیده شده است و بلیغ از مصدر بلوغ است و نه بلاغه و در توضیح آن، صرفاً مفهوم تأکید و مبالغه دریافت می‌شود، همان‌طور که در تعبیر آرایه بلاغی آیه (وهي تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ) مشبهه را به صورت «هي تَمْرٌ مُروراً كمرور السَّحَابِ» صفت مشبه خوانده است. از سوی دیگر، «مُبَالَغَةَ السَّعْدِي» را می‌توان تشبیه ضمنی در نظر گرفت. برای مثال «در آیه شریفه فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ»، اضافه نوع عامل را هم‌راه با دلیل توضیح می‌دهد؛ زیرا تشبیه برآمده از آیه، دلیل و برهان حکم عامل، یعنی «أَخَذْنَا»، را بازگو می‌کند؛ به این دلیل که آیه در حکم تشبیه «أَخَذْنَا كَأَخْذِ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ» است و این تشبیه تشبیه ضمنی است (حسینی نیا بی تا: ۱۰۶).

هم‌چنین، از آن‌جا که ادات تشبیه از بیت سعدی حذف شده است، «مُبَالَغَةَ السَّعْدِي» را می‌توان مؤکد شمرد. بدیهی است علت فتحه مصدر قاعده منصوب به نزع خافض (ک تشبیه) است. از سوی دیگر، «مُبَالَغَةَ الْمَمْدُوحِ فِي الْإِنْفَاقِ وَالْعَدْلِ وَالتَّقَى» مشبه مرکب و «مُبَالَغَةَ السَّعْدِي فِي نُكْتِ الشَّعْرِ»، مشبهه مرکب است که این از جمله تشبیه‌های مرکبی است که هیئت مصور در نیمه نخست بیت با همه اجزایی که دارد، بر نیمه دوم منطبق است. جرجانی این نوع تشبیه را «تشبیه مرکب تخیلی نوع اول» می‌داند (جرجانی ۱۳۷۴: ۹۹). بنابراین، از آن‌جا که این بیت سعدی می‌تواند شاهد مناسبی برای تشبیه ضمنی یا مؤکد یا مرکب باشد، انتظار می‌رفت که مؤلف به این نکات اشاره کند.

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۳

لازم است بیفزاییم که توضیحات بالا درباره بیت زیر از صفحه ۸۳ کتاب نیز صادق است.

لَقَدْ مَقَّتَ السَّعْدِيُّ خِلًّا يَلُومُهُ عَلَي حُبِّكُمْ مَقَّتَ الْعَدُوُّ الْمُحَارِبِ

- در ذیل بیت

ضَفَادِعُ حَوْلِ الْمَاءِ تَلْعَبُ فَرِحَهُ أَصْبَرُ عَلَي هَذَا وَيُونُسُ فِي الْقَعْرِ

(مقدم متقی ۱۳۹۷: ۸۸)

با برداشت بدون ارجاع از کتاب/شعار عربی سعدی (مؤید شیرازی ۱۳۷۲: ۷۱) «ضفادع» کنایه از مغولان و «یونس» کنایه از خلیفه لحاظ شده است که در واقع هردو نمونه‌ای برای استعاره مصرحه‌اند. همین خطا در بیت زیر نیز رخ داده است:

تَرَاخَمَتِ الْغُرَبَانُ حَوْلَ رُسُومِهَا فَأَصْبَحَتِ الْعَنْقَاءُ لِأَزْمَةِ الْوَكْرِ

(همان: ۸۹).

«الغربان» کنایه از مغولان و «العنقاء» کنایه از خلیفه گرفته شده است که باز هم هردو می‌توانند استعاره باشند، چون پایه در تشبیه دارند.

- در ذیل بیت

مَحَاجِرٌ تَكْلَى بِالْدُمُوعِ كَرِيمَةً وَإِنْ بَخِلَتْ عَيْنُ الْغَمَائِمِ بِالْقَطْرِ

(همان: ۸۹)

نویسنده فعل «بَخِلَتْ» را کنایه از نباریدن گرفته که مصداق خوبی برای استعاره در فعل یا استعاره تبعیه است. همین بیت در صفحه ۸۱ شاهدهی برای استعاره مکنیه اصلیه در واژه «الغمائم» ذکر شده است، در صورتی که این بیت شاهد زیبایی برای تشبیه تفضیل است و سعدی به‌طور ضمنی بر این باور است که چشمان زنان داغ‌دار از ابر هم بارنده‌تر است.

- در ذیل بیت

أَلَا إِنَّمَا الْأَيَّامُ تَرْجِعُ بِالْعَطَا وَلَمْ تَكْسُ إِلَّا بَعْدَ كِسْوَتِهَا تُعْرَى

(همان)

«الایام» کنایه از روزگار گرفته شده، در حالی که روزگار معنای واژگانی کلمه است.

۴. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش را در نقد کتاب بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی بر اساس محورهای چهارگانه ساختار پژوهشی، سعدی‌شناسی، مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی، و خطاها و نارسایی‌های محتوایی می‌توان چنین بیان کرد:

الف. محور ساختار پژوهشی: فرضیات کتاب نمایش واضحی ندارند و مخاطب در شناخت آن‌ها سردرگم است. شیوه پژوهشی و نسخه‌منتخب نویسنده از اشعار عربی سعدی ناگفته مانده است. پیشینه پژوهش نارسا و ناکافی است و نویسنده از اشراف و آگاهی لازم در شناساندن پژوهش‌های گذشته در اشعار سعدی بی‌بهره است. از همه مهم‌تر، نظریه پژوهش تبیین صحیحی ندارد و کاربست و چهارچوب آن نامشخص است؛

ب. محور سعدی‌شناسی: باین که یک فصل کتاب با نام زندگی و آثار سعدی به موضوع سعدی‌شناسی اختصاص دارد، مخاطب در حد لزوم و با سیری منطقی با این شاعر نام‌دار فارسی آشنا نمی‌شود. مطالب این بخش پراکنده و سطحی است و بیش‌تر مطالب آن، نقل از منابع قدیمی و دست‌چندم است و نویسنده در شناساندن سعدی از منابع جدید استفاده نکرده است؛

ج. محور مستندسازی اطلاعات و مراجع درون متنی: در این کتاب، با نقل قول‌های بی‌مراجع و خطا در ارجاع‌نویسی روبه‌رویم و باین که نویسنده از پژوهش‌های پیشین خود در این زمینه بهره‌مند بوده به این امر اشاره‌ای نکرده است؛

د. محور خطاها و نارسایی‌های محتوایی: خطاهای محتوایی کتاب را می‌توان به خطا در نقل نسخه در سه سطح واژگان، اعراب، و حرکت‌گذاری و هم‌چنین تشخیص نوع صرفی واژگان و کاستی و نادرستی در تبیین صور خیال و صنایع ادبی تقسیم کرد. هم‌چنین، گاهی ملاک‌هایی که نویسنده برای ارزیابی اشعار عربی سعدی ارائه می‌دهد، گویا نیستند. تکرار محتوا و توضیحات کم و نارسا از دیگر نقاط ضعف کتاب به حساب می‌آیند. در یک کلام، از یک کتاب علمی و دانشگاهی انتظار می‌رود که موضوع پژوهش خود را با نگاهی نقادانه‌تر و همه‌جانبه‌نگرتری ارزیابی کند.

کتاب‌نامه

ابابکرى حاجى آباد ملاقاسم، رحمان (۱۳۹۸)، *بازتاب هنرى لفظ و معنا در اشعار عربى سعدى برپايه نقد زيبايى‌شناسى*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی.
احمد بدوی، احمد (۱۹۹۶م)، *اسس النقد الادبی عند العرب*، القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة و النشر.

نقدی در بوته زر ... (محمدرضا نجاریان و نفیسه رئیسی مبارکه) ۷۵

اسوار، موسی (۱۳۹۱)، «در رثای بغداد، نگاهی به قصاید عربی سعدی»، دوفصلنامه سعدی‌شناسی، ش ۱۵.

ایران‌زاده، نعمت‌الله (۱۳۷۷)، «نظری به تدوین دانش بدیع در ادب فارسی»، مجله دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۶.

جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، *اسرار البلاغه*، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
حریرچی، فیروز، قیس آل‌قیس، و زهرا حکیم‌زاده (۱۳۹۱)، «سعدی الشیرازی و حاضرة الاسلام من خلال قصیده الرائية فی رثاء بغداد»، نشریه آفاق الحضارة الاسلامیه، ش ۲۹.

حسن، عباس (۱۴۲۲ق)، *النحو الوافی مع ربطه بالاسالیب الرفیعة و الحیة اللغویة المتجدده*، تهران: ناصر خسرو.

حسینی‌نیا، سیدمحمد (بی‌تا)، *اعراب قرآن و حدیث*، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.

ذهنی‌تهرانی، سیدمحمد جواد (۱۳۶۳)، *اساس الصرف*، ج ۱، قم: حاذق.

رجائی، محمدخلیل (۱۳۷۶)، *معالم البلاغه*، شیراز: دانشگاه شیراز.

زراعت‌طلب، فاطمه (۱۳۹۶)، *وحدت و کثرت در خطبه‌های متفکین، شش‌شقیه، غراء و الزهرای نهج البلاغه از دیدگاه نقد زیبایی‌شناسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

ساجدی، زکیه (۱۳۹۷)، *بازشناسی جلوه‌های زیبایی سخن در دعای کمیل و دعای ندبه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله (۱۳۶۴)، *سعدی الشیرازی ادیب الفارسیه و شاعرها الکبیر*، دمشق: المستشاریة الثقافیة للجمهوریة الاسلامیة الایرانیة بدمشق.

سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله (۱۳۸۰)، *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: نامک.

سعدی، مصلح‌الدین بن عبدالله (۱۳۹۰)، *اشعار عربی سعدی*، ترجمه موسی اسوار، شیراز: دانش‌نامه فارس، مرکز سعدی‌شناسی.

سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۱۳۹۴ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۳، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، *نقد ادبی*، تهران: میترا.

عباس، احسان (۱۳۶۳)، «ارزیابی اشعار عربی سعدی»، ترجمه جعفر مؤید شیرازی، *آینده*، س ۱۰، ش ۱۰ و ۱۱.

فاضلی، محمد (۱۳۷۶)، *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*، مشهد: دانشگاه فردوسی.

فتوحی، محمود (۱۳۹۳)، *آیین نگارش مقاله پژوهشی*، تهران: سخن.

فراست‌خواه، مقصود (۱۳۷۶)، زبان قرآن، تهران: علمی و فرهنگی.

قربانی، معصومه (۱۳۹۳)، بررسی ادعیه امام سجاد علیه‌السلام براساس نقد کاربردی (دعای ابوحمزه ثمالی، مناجات خمس عشره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

القضاة، محمدعلی (۱۳۹۰)، «قراءة نقدية في اشعار سعدی الشیرازی العربیه»، فصل‌نامه علمی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، پیاپی ۲۰.

قلی‌پور، فاطمه (۱۳۹۴)، بازتاب هنری تناسب نفس و معنی در خطبه‌های الغدير، فدکيه، قاصعه، اشباح، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

کمال‌جو، مصطفی و الهام زارع (۱۳۹۲)، «تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به تشبیه»، پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، ش ۱.

المعانی (۲۰۲۲)، سایت المعانی لكل رسم معنی، برگرفته از

<<https://www.almaany.com/ar/analyse/ar-ar/%D9%84%D8%A7%D9%87%D9%8A%D8%A9/>>.

معلمدی بارزلیلی، نرگس (۱۳۹۳)، واکاوی اسلوب، معنا و عاطفه در دعای عرفه امام حسین (ع) و زیارت جامعه کبیره امام هادی (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مقدم متقی، امیر (۱۳۸۵)، «تناسب و هماهنگی در فواصل آیات قرآنی»، در: مجموعه مقالات همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۱)، «زیبایی‌شناسی اسلوب و معنا در سبک نویسندگی ملاصدرا»، فصل‌نامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، س ۱۳، پیاپی ۵۲.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۳)، «بررسی قصیده راثیه سعدی در سوگ بغداد برپایه نقد کاربردی»، فصل‌نامه لسان مبین، پیاپی ۱۵.

مقدم متقی، امیر (۱۳۹۷)، بررسی اشعار عربی سعدی بر مبنای نقد کاربردی، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.

مؤیدشیرازی، جعفر (۱۳۶۲)، شناختی تازه از سعدی هم‌راه با متن مصحح و معرب اشعار عربی و ترجمه فارسی، شیراز: نوید.

مؤیدشیرازی، جعفر (۱۳۷۲)، شعرهای عربی سعدی شیرازی، شیراز: دانشگاه شیراز.

یعقوب، امیل بدیع (۱۴۲۷ق)، موسوعة علوم اللغة العربیه، ج ۸، بیروت: دار الکتب العلمیه.